

کاهش قیمت جهانی طلا

قیمت جهانی طلا در معاملات روز جمعه ۳ مرداد با افت ۰٫۲۸ درصدی به ۳۳۵۹ دلار در هر اونس رسید. قیمت جهانی طلا در معاملات روز جمعه ۳ مرداد ۱۴۰۴ برابر با ۷ جولای ۲۰۲۵، با افت ۰٫۲۸ درصدی به ۳۳۵۹ دلار در هر اونس رسید. این سومین روز پیاپی کاهش قیمت فلز زرد است؛ موضوعی که نشان‌دهنده کاهش تمایل سرمایه‌گذاران به دارایی‌های امن در پی بهبود فضای اقتصادی و تجاری جهانی است. دلایل افت قیمت طلا به شرح زیر است:

۱- **کاهش نگرانی‌ها از جنگ تجاری:** انتشار اخبار مثبت از پیشرفت در مذاکرات تجاری میان آمریکا و اتحادیه اروپایی پس از توافق اخیر واشنگتن با ژاپن، باعث شده فشار روانی ناشی از تعرفه‌ها کاهش یابد. این روند تقاضا برای طلا به‌عنوان دارایی امن را کاهش داده است.

۲- **آمار قوی بازار آ امریکا:** گزارش‌ها نشان می‌دهد تعداد متقاضیان بیمه بیکاری در آمریکا برای ششمین هفته متوالی کاهش یافته که این طولانی‌ترین دوره کاهش از سال ۲۰۲۲ تاکنون است. این داده‌ها به تقویت دیدگاه‌هایی منجر شده که فدرال رزرو نرخ بهره را در نشست هفته آینده تغییر نخواهد داد.

■ ■ ■

ریزش یک‌دست در بازار کریپتو

بازار ارزهای دیجیتال روز گذشته با روند نزولی همراه شده بیت‌کوین، اتریوم و اغلب آلت‌کوین‌ها کاهش قیمت را تجربه کردند.

در معاملات روز جمعه ۳ مرداد ۱۴۰۴ (۲۵ جولای ۲۰۲۵)، بازار جهانی رمزارزها شاهد افت قیمت در اغلب ارزهای مطرح بود. بیت‌کوین به زیر ۱۱۶ هزار دلار سقوط کرد و دیگر رمزارزهای بزرگ از جمله اتریوم، سولانا و ریبیل نیز تحت تأثیر فشارهای فروش و خروج نقدینگی از بازار، کاهش ارزش را تجربه کردند. این روند نزولی در حالی رخ می‌دهد که طی هفته‌های گذشته بازار در مسیر صعودی قرار داشت اما بخشی از سرمایه‌گذاران اکنون در حال شناسایی سود و خروج از موقعیت‌های معاملاتی هستند.

بیت‌کوین (Bitcoin – BTC) روز جمعه ۱۱۵٫۷۸۸ دلار معامله معامله شد. این رمزارز نسبت به روز قبل ۲٫۱۸ درصد کاهش داشت. بیت‌کوین طی هفته گذشته افتی ۱٫۷۸ درصدی داشت، اما عملکرد ماهانه آن همچنان مثبت و برابر ۸٫۳۳ درصد است. از ابتدای سال ۲۰۲۵ تاکنون، بیت‌کوین ۲۴٫۲۱ درصد رشد را تجربه کرده و در مقیاس سالانه (نسبت به سال گذشته) ۷۰٫۷۱ درصد افزایش داشته است.

اتریوم (Ethereum – ETH) با قیمت ۳۶۵۴۸۳ دلار، روز گذشته ۱٫۳۹ درصد افت کرد. با این حال در بازه هفتگی ۳٫۰۹ درصد افزایش و در بازه ماهانه رشد قابل توجهی برابر با ۵۱٫۴۰ درصد را ثبت کرد. بزدهی از ابتدای سال برابر ۹٫۸۶ درصد و نسبت به سال قبل ۱۱۶۵ درصد رشد بوده است.

بایننس کوین (BNB) دیرویز با قیمت ۷۴۴ دلار معامله شد و ۰٫۷۴ درصد کاهش روزانه داشت. طی هفته اخیر ۴۶۹ درصد رشد، در ماه جاری ۱۹ درصد افزایش و از ابتدای سال نیز ۹٫۲۷ درصد رشد را تجربه کرده است. عملکرد سالانه آن ۳۱۵۴ درصد افزایش نشان می‌دهد. سولانا (Solana – SOL) دیروز با قیمت ۱۷۸٫۵۰ دلار معامله شد. افت روزانه آن ۲٫۲۵ درصد بود، ولی در بازه هفتگی ۰٫۲۶ درصد رشد داشت. در بازه ماهانه افزایش ۲۷٫۹۵ درصد داشت، اما از ابتدای سال ۵۸٫۳ درصد کاهش را ثبت کرده است. به طور سالانه نیز ۲٫۷۷ درصد افت داشته که نشان‌دهنده نوسانات بالای این رمزارز است.

■ ■ ■

چالش‌های تعویق چند باره جلسات هیأت‌های حل اختلاف مالیات

تعویق‌های مکرر در برگزاری جلسات هیات‌های حل اختلاف مالیاتی، روند رسیدگی به پرونده‌ها را با چالش مواجه کرده است. در این میان، برگزاری مجازی جلسات می‌تواند راه‌حلی مؤثر برای کاهش هزینه‌ها و تسریع در فرآیند رسیدگی باشد.

طی ماه گذشته شاهد تعویق جلسات هیات‌های حل اختلاف مالیاتی به دلیل جنگ ۱۲ روزه و همچنین تعطیلی به دلایلی مانند گرمای هوا، گرد و غبار و ... در استان‌های مختلف کشور بودیم.

باید توجه داشت که تعویق‌های مکرر جلسات هیات‌های حل اختلاف مالیاتی به خودی خود سبب سردرگمی مودیان و همچنین افزایش هزینه وصول مالیات می‌شود.

با توجه به شرایط پیش آمده، سازمان امور مالیاتی از تمدید یک ماه مهلت اعتراض به اوراق مالیاتی و آرای هیات‌های حل اختلاف خبر داد. این تمدید برای پرونده‌هایی است که مهلت اعتراض آنها در بازه ۲۳ تا ۷ تیر ۱۴۰۴ قرار داشته است. در حقیقت مؤدیانی که مهلت اعتراض آنها در سازه دوران ۱۲ روزه جنگ قرار داشته است مشمول این تمدید خواهند بود.

همچنین در بخشنامه سازمان امور مالیاتی تاکید شده که به دلیل تجاوز رژیم سه‌پوینستی و شرایط جنگی، برخی جلسات هیات‌های حل اختلاف برگزار نشده و مودیان برای جلسات جدید دعوت خواهند شد. یکی از ابهاماتی که درباره تعویق برگزاری جلسات مطرح می‌شود این است که اگر مودیان تقاضای تجدید نظر در پرونده‌های مالیاتی مودی مودی پس از صدور رای هیات‌های حل اختلاف شود، تکلیف مودی چه خواهد بود؟ لازم به ذکر است با توجه به دستور کار سازمان امور مالیاتی درباره دوره ۱۲ روزه جنگ، ادارات کل مالیاتی می‌توانند از اختیارات بخشودگی جرایم برای نشده و مودیان برای جلسات جدید دعوت خواهند شد. یکی از ابهاماتی که درباره تعویق برگزاری جلسات مطرح می‌شود این است که اگر مودی در بازه‌هایی غیر از بازه‌هایی که اختیار بخشودگی وجود دارد رای خود را دریافت کند، چگونه قرار است از تسهیلات مالیاتی بهره‌مند شود.



«وطن امروز» از رشد نقدینگی در یک سال گذشته و پیامدهای تورمی آن گزارش می‌دهد

چرخه پنهان خلق پول

۶۰ درصد از تورم جاری را توضیح می‌دهد و تبدیل تدریجی شبه‌پول به پول نقد می‌تواند ۳۰ تا ۴۰ درصد دیگر از تورم نشان داده‌اند هر یک درصد افزایش نقدینگی می‌تواند تا ۵۷٫۰ درصد تورم ایجاد کند و این عدد در بلندمدت به ۸۹٫۰ درصد می‌رسد، بویژه در شرایطی که پول نقد افزایش یابد و سرعت گردش آن بیشتر شود، اثر تورمی تشدید خواهد شد.

اما رابطه نقدینگی با اشتغال پیچیده‌تر است. اگر نقدینگی به سمت بخش‌های مولد حرکت کند، می‌تواند سرمایه‌گذاری را افزایش دهد و اشتغال را تقویت کند ولی در ساختار فعلی اقتصاد ایران، رشد شبه‌پول و بویژه ترجیح سپرده‌گذاری بلندمدت منجر به هدایت منابع به بازارهای غیرمولد و دارایی‌های غیرواقعی شده که نتیجه‌اش افت تولید و کاهش اشتغال بوده است.

در این میان کیفیت نقدینگی تعیین‌کننده است. نقدینگی زمانی می‌تواند اشتغال‌زا باشد که با اصلاح بودجه، کاهش کسری مالی دولت و هدایت تسهیلات بانکی به تولید همراه باشد در غیر این صورت، نتیجه چیزی جز تورم بی‌اشتغال نخواهد بود؛ همان «کود تورمی» مشهور.

مروری بر روند رشد نقدینگی در ۴ سال گذشته، تصویر واضحی ارائه می‌دهد: در سال ۱۳۹۹ نرخ رشد به ۴۰۶ درصد رسید؛ اوج خلق پول. سال بعد آن این عدد به ۳۶٫۳ درصد کاهش یافت. در ۱۴۰۱ با سیاست‌های انقباضی رشد به ۳۱٫۱ درصد محدود شد و در سال ۱۴۰۲ به پایین‌ترین

نرخ یک دهه اخیر یعنی ۲۴٫۳ درصد رسید. در سال ۱۴۰۳ اما دوباره جهشی ثبت شد؛ نقدینگی با نرخ ۲۹٫۱ درصد رشد کرد. دلایلی چون رکود، کسری بودجه و کاهش جذابیت بازارهای مالی در این بازگشت نقش داشته‌اند.

بررسی اجزای نقدینگی نیز اهمیت دارد. رشد پول نقد و سپرده‌های جاری، اثر مستقیم بر پایه پولی داشته و موجب تحریک تقاضای مصرفی شده‌اند. از سوی دیگر، شبه‌پول با اثر تأخیری تورمی، در صورت تبدیل به پول نقد (به دلیل

افت نرخ سود یا تغییر انتظارات تورمی)، فشار گسترده‌ای بر سطح قیمت‌ها وارد خواهد کرد.

سپرده‌های کوتاه‌مدت و یک‌ساله با حجم بالا، قابلیت تبدیل سریع به پول نقد را دارند و موجب حساسیت بیشتر پایه پولی می‌شوند. از طرف دیگر سهم اندک سپرده‌های بلندمدت نشان‌دهنده ضعف اعتماد عمومی به افق مالی بلندمدت است.

و باینگر ترجیح سرمایه‌گذاری‌های سریع و پریسک است.

بر اساس برآوردهای تقریبی، رشد پول نقد حدود ۵۰ تا

اشتغال داشته است. بر اساس نظریه مقداری پول، در بلندمدت نقدینگی رابطه مستقیمی با تورم دارد. پژوهش‌های داخلی نشان داده‌اند هر یک درصد افزایش نقدینگی می‌تواند تا ۵۷٫۰ درصد تورم ایجاد کند و این عدد در بلندمدت به ۸۹٫۰ درصد می‌رسد، بویژه در شرایطی که پول نقد افزایش یابد و سرعت گردش آن بیشتر شود، اثر تورمی تشدید خواهد شد.

اما رابطه نقدینگی با اشتغال پیچیده‌تر است. اگر نقدینگی به سمت بخش‌های مولد حرکت کند، می‌تواند سرمایه‌گذاری را افزایش دهد و اشتغال را تقویت کند ولی در ساختار فعلی اقتصاد ایران، رشد شبه‌پول و بویژه ترجیح سپرده‌گذاری بلندمدت منجر به هدایت منابع به بازارهای غیرمولد و دارایی‌های غیرواقعی شده که نتیجه‌اش افت تولید و کاهش اشتغال بوده است.

در این میان کیفیت نقدینگی تعیین‌کننده است. نقدینگی زمانی می‌تواند اشتغال‌زا باشد که با اصلاح بودجه، کاهش کسری مالی دولت و هدایت تسهیلات بانکی به تولید همراه باشد در غیر این صورت، نتیجه چیزی جز تورم بی‌اشتغال نخواهد بود؛ همان «کود تورمی» مشهور.

مروری بر روند رشد نقدینگی در ۴ سال گذشته، تصویر واضحی ارائه می‌دهد: در سال ۱۳۹۹ نرخ رشد به ۴۰۶ درصد رسید؛ اوج خلق پول. سال بعد آن این عدد به ۳۶٫۳ درصد کاهش یافت. در ۱۴۰۱ با سیاست‌های انقباضی رشد به ۳۱٫۱ درصد محدود شد و در سال ۱۴۰۲ به پایین‌ترین

نرخ یک دهه اخیر یعنی ۲۴٫۳ درصد رسید. در سال ۱۴۰۳ اما دوباره جهشی ثبت شد؛ نقدینگی با نرخ ۲۹٫۱ درصد رشد کرد. دلایلی چون رکود، کسری بودجه و کاهش جذابیت بازارهای مالی در این بازگشت نقش داشته‌اند.

بررسی اجزای نقدینگی نیز اهمیت دارد. رشد پول نقد و سپرده‌های جاری، اثر مستقیم بر پایه پولی داشته و موجب تحریک تقاضای مصرفی شده‌اند. از سوی دیگر، شبه‌پول با اثر تأخیری تورمی، در صورت تبدیل به پول نقد (به دلیل افت نرخ سود یا تغییر انتظارات تورمی)، فشار گسترده‌ای بر سطح قیمت‌ها وارد خواهد کرد.

سپرده‌های کوتاه‌مدت و یک‌ساله با حجم بالا، قابلیت تبدیل سریع به پول نقد را دارند و موجب حساسیت بیشتر پایه پولی می‌شوند. از طرف دیگر سهم اندک سپرده‌های بلندمدت نشان‌دهنده ضعف اعتماد عمومی به افق مالی بلندمدت است.

و باینگر ترجیح سرمایه‌گذاری‌های سریع و پریسک است.

بر اساس برآوردهای تقریبی، رشد پول نقد حدود ۵۰ تا

گروه اقتصادی: اقتصاد ایران همواره با چالش رشد نقدینگی روبه‌رو بوده است. طبق آخرین گزارش رسمی بانک مرکزی، رشد ۲۹٫۱ درصدی نقدینگی در یک سال گذشته رخ داده است که نشان‌دهنده افزایش بی‌رویه حجم پول در گردش است که می‌تواند به تشدید تورم، کاهش قدرت خرید خانوارها و تضعیف بنیان‌های تولید ملی بینجامد. ترکیب نامتوازن پول و شبه‌پول، ترجیح سپرده‌گذاری کوتاه‌مدت و غلبه رفتارهای محافظه‌کارانه در بازار مالی، همه نشان از تحولاتی دارند که نیازمند تحلیل دقیق و راهبردی هستند. این متن، ضمن واکاوی ساختار نقدینگی و پیامدهای آن، به طراحی سناریوی اصلاحی با محوریت شفافیت، تعهد نهادی و مشارکت اقتصادی می‌پردازد.

بانک مرکزی ایران گزارشی منتشر کرد که از رشد قابل توجه نقدینگی در اقتصاد کشور پرده برداشت: حجم نقدینگی‌ای معادل ۱۰۱۶۵ هزار میلیارد تومان در سال ۱۴۰۳ که نسبت به پایان سال ۱۴۰۲ افزایش چشمگیر ۲۹٫۱ درصدی را نشان می‌داد. این رشد نه‌فقط انعکاسی از تغییرات در سیاست‌های پولی و رفتار سپرده‌گذاران بود، بلکه نشانه‌ای از فزونی تقاضای کل و آغاز فشارهای تورمی تازمادی در اقتصاد به‌شمار می‌رفت.

مسیر رشد سالانه نقدینگی نیز بیابگر شتاب گرفتن در خلق پول و اعتبار بوده؛ از ۲۴٫۳ درصد سال ۱۴۰۲ به ۲۹٫۱ درصد در سال ۱۴۰۳ رسید؛ حرکتی که اگر با رشد پایدار تولید همراه نباشد به تضعیف قدرت خرید، افزایش سطح عمومی قیمت‌ها و بالاگرفتن انتظارات تورمی خواهد انجامید. ساختار نقدینگی نشان می‌دهد از مجموع ۱۰۱۶۵ همت، حدود ۲۶۳۱ همت در قالب پول نقد و سپرده‌های جاری در گردش بوده و ۷۵۳۴۰۲ همت به شبه‌پول اختصاص داشته است؛ دارایی‌هایی که نقدشوندگی بالا دارند اما بافاصله قابل استفاده نیستند. سهم شبه‌پول در نقدینگی به ۷۴٫۱ درصد رسید که نسبت به سال گذشته رشد ۲۶ درصدی داشته و از چرخش منابع به سمت دارایی‌های غیرجاری حکایت دارد. ترکیب اجزای شبه‌پول نیز تنوع قابل توجهی داشته: سپرده‌های قرض‌الحسنه پس‌انداز (۱۱٫۳ درصد)، کوتاه‌مدت (۲۰٫۸ درصد)، یک‌ساله (۱۵٫۶ درصد)، ۲ ساله (۲٫۸ درصد)، ۳ ساله (۲۰٫۴ درصد)، ۴ ساله (۰٫۳ درصد)، ۵ ساله (۰٫۱ درصد) و سپرده‌های متفرقه (۲٫۸ درصد).

این افزایش چشمگیر نقدینگی تأثیرات متعددی بر تورم و گروه اقتصادی: در میانه کشمکش‌های ژئوپلیتیک و صف‌بندی‌های اقتصادی میان شرق و غرب، نفت بار دیگر به میدان تقابل بدل شده است؛ از تحریم‌های پیچیده اروپا علیه روسیه تا تهدید تعرفه‌ای ترامپ و رقابت پنهان میان تولیدکنندگان آسیایی برای تصاحب سهم‌های جدید بازار. اکنون سیاست‌گذاران، معامله‌گران و مصرف‌کنندگان در یک نبرد چندوجهی گرفتار شده‌اند که مرزهای اقتصادی و امنیتی را در هم می‌نوردد. روایت این نبرد پیچیده، سرگذشت قدرتی است که از دل بشکه‌های نفت زاده می‌شود.

تلاش اخیر اتحادیه اروپایی برای کاهش درآمدهای نفتی روسیه، به احتمال زیاد نتایجی فراتر از آنچه این بلوک انتظار داشت را رقم نخواهد زد؛ در حالی که تهدید دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده، درباره اعمال تحریم‌های ثانویه به یکی از معودات ابراز‌های اقتصادی مؤثر برای فشار بر کرملین بدل شده است. مطابق بسته اروپا، سقف قیمت فروش نفت خام روسیه از ۶۰ دلار به ۴۷۶۰ دلار در هر بشکه کاهش یافته است و شرکت‌های حمل‌ونقل و بیمه اروپایی مجاز به ارائه خدمات برای محموله‌هایی که بالاتر از این قیمت معامله شده‌اند، نخواهند بود. این سقف قیمت جدید که از سوم سپتامبر اجرایی می‌شود، همچنین شامل مکانیزمی خواهد بود که قیمت نفت روسیه را همواره ۱۵ درصد پایین‌تر از میانگین جهانی نگه می‌دارد.

نکته تازه و مهم در این بسته، ممنوعیت واردات محصولات پالایش شده‌ای است که از نفت خام روسیه تولید شده است. این ممنوعیت، که پیش‌بینی می‌شود از سال آینده اجرا شود، با هدف جلوگیری از دور زدن ممنوعیت‌های قبلی اعمال شده پس از آغاز جنگ اوکراین در فوریه ۲۰۲۲ تنظیم شده است. پس از تحریم‌های اولیه، واردات فرآورده‌هایی مانند دیزل و سوخت جت به اروپا، با منشأ نفت روسیه، از مسیرهای غیرمستقیم چین، هند و ترکیه افزایش یافت و اثربخشی محدودیت‌ها را به چالش کشید. طبق داده‌های شرکت کپلر، هند که سال گذشته ۱۶ درصد از دیزل و سوخت جت وارداتی اروپا را تأمین کرده بود، احتمالاً از مهم‌ترین متضرران این ممنوعیت جدید خواهد بود. نفت خام روسیه در سال ۲۰۲۴ حدود ۸ درصد از واردات نفت هند را شامل شد. در مقابل کشورهای صادرکننده بزرگ نفت خام از محدودیت‌های جدید معاف نشده‌اند. از این رو، کشورهای حوزه خلیج فارس از جمله عربستان سعودی، امارات و کویت با ظرفیت پالایشگاهی بالا، شناسن بالایی برای جایگزینی پالایشگاه‌های هند و افزایش صادرات سوخت به اروپا خواهند داشت.

هدف تحریم‌های غرب از سال ۲۰۲۲ تاکنون، محدودسازی درآمدهای نفتی روسیه بدون ایجاد شوک قیمتی در بازارهای جهانی انرژی بوده اما در تحقق هدف دوم، موفقیت چندان حاصل نشده است.

طبق آمارها، درآمد صادراتی روسیه از نفت خام و فرآورده‌های

نفت سنگین کمک کند.

هرچند از آغاز هفته جاری قیمت نفت برنت ۰٫۴ درصد و نفت وست تگزاس ۱٫۴ درصد کاهش یافته، اما انتشار گزارش‌هایی درباره کاهش صادرات بنزین روسیه، موجب رشد قیمت‌ها در معاملات روز پنجشنبه شد. همچنین اختلالات جزئی در صادرات نفت قزاقستان و آذربایجان تأثیر گذار بودند.

کشور با کاهش ۳٫۲۲ میلیون بشکه‌ای در هفته گذشته به ۴۱۹ میلیون بشکه رسید که فراتر از انتظار تحلیلگران بوده است. همزمان، تأثیر تنش‌های خاورمیانه از جمله وضعیت غزه و جنگ اسرائیل و حملات فعال گرمایس نیموده است؛ جنگ روسیه و اوکراین نیز بدون تغییر خاصی ادامه دارد.

در همین حال ترامپ در عرصه سیاست تجاری اعلام کرده تعرفه ۲۵ درصدی واردات از ژاپن باقی خواهد ماند و درباره توافق احتمالی با هند نیز ابراز نظر کرده است. همچنین به حدود ۱۵۰ کشور کوچک هند را ده مسئول تعرفه خواهند شد. وزیر دارایی آلمان در واکنش به این سخنان ترامپ گفت: این اقدامات می‌تواند ثبات منفی شدیدی برای اقتصاد آمریکا داشته باشد، مشابه آنچه اروپا تجربه می‌کند.

از طرف دیگر در شرق آسیا، بازار نفت و قیول با رشد ذخایر و کاهش تقاضا مواجه شد؛ قیمت نفت برنت در اواسط هفته کاهش یافت. همچنین قیمت فیول CST180 در سنگاپور به ۴۱۰ دلار، قیر سنگاپور و کر جنوبی نیز به ترتیب به ۴۴۹ و ۴۱۲ دلار رسیدند. این وضعیت نشان‌دهنده ترکیبی از بی‌تحریکی ناشی از شرایط آب‌وهوایی، فشار تقاضای منطقه‌ای و پیچیدگی‌های ناشی از تحولات ژئوپلیتیک است. بویژه در شرایطی که بازارهای جهانی انرژی با عدم قطعیت گسترده مواجهند، از مذاکرات تجاری گرفته تا تعمیق شکاف‌های سیاسی میان شرق و غرب.

جدید گرفته تا تهدیدات تعرفه‌ای و نوسانات عرضه، نشان می‌دهد نفت همچنان در قلب معادلات قدرت باقی‌مانده است. اتحادیه اروپایی در پی مسدودسازی منابع درآمدی کرملین است، در حالی که هند و چین به استراتژی خرید نفت ارزان ادامه می‌دهند و خاورمیانه آماده بهره‌برداری از خلأهای عرضه است.

تحریم‌های ثانویه آمریکا در صورت اجرایی شدن می‌توانند نقطه‌عطفی در جنگ اقتصادی غرب با روسیه باشند اما اثرات جانبی آن، بویژه افزایش تورم و ضربه به رشد اقتصادی، مانعی جدی برای تصمیم‌گیری‌های سریع و قاطع خواهند بود.

بازارهای منطقه‌ای مانند آسیا، اروپا و خاورمیانه نیز به تناسب ظرفیت پالایش، ذخایر و تقاضا به این تحولات واکنش نشان داده‌اند و ایران، با وجود چالش‌های داخلی و خارجی، در وضعیت انتظار و نظارت قرار گرفته است.



تقابل تازه قدرت‌ها در بازار جهانی انرژی

با بزرگ‌ترین اقتصاد جهان با محدودیت شدید مواجه می‌کند. اما آیا ترامپ این تهدید را عملی خواهد کرد؟ او در هفته‌های اخیر از پوتین ابراز ناامیدی کرده و با توجه به تأثیر اندک دوراهی قبلی تحریم‌ها بر بودجه روسیه، ممکن است به اجرای این ابزار اقتصادی تن دهد.

با این حال تحلیلگران هشدار می‌دهند چنین اقدامی با وجود اثرگذاری بالقوه، تبعات گسترده‌ای برای بازار جهانی انرژی خواهد داشت؛ از جمله افزایش شدید قیمت نفت و بالا رفتن تورم، ۲ مفعلی که قطعا مورد نظر رئیس‌جمهور آمریکا نیستند. همین احتمال شاید موجب آرامش نسبی بازارهای نفت و معامله‌گران، به‌رغم تحولات جدید شده باشد.

■ **حرکات بازار: خوش‌بینی و نوسان قیمت‌ها**

در معاملات اخیر، قیمت نفت تحت تأثیر خوش‌بینی نسبت به مذاکرات تجاری و چشم‌انداز اقتصاد جهانی افزایش یافت. بهای آتی نفت برنت با ۲۰ سنت معادل ۰٫۲۹۹ درصد رشد، به ۶۹٫۳۸ دلار در هر بشکه رسید؛ نفت وست تگزاس اینترمدیت آمریکا نیز با همین مقدار افزایش به ۶۶٫۳۳ دلار رسید.

همچنین اعلام توافق تجاری میان آمریکا و ژاپن و احتمال توافق مشابه با اتحادیه اروپایی موجب تقویت بازار شد. تحلیلگران ING نیز در یادداشتی، خوش‌بینی به مذاکرات را عاملی برای جبران نگرانی‌ها از عرضه احتمالی بیشتر نفت ونزولا دانستند.

گزارش‌ها حاکی است دولت آمریکا اجازه فعالیت محدود به شرکت‌های شریک PDVSA ونزولا از جمله شورون را صادر خواهد کرد که می‌تواند صادرات این کشور را تا بیش از ۲۰۰ هزار بشکه در روز افزایش دهد و به پالایشگاه‌های آمریکایی در تأمین